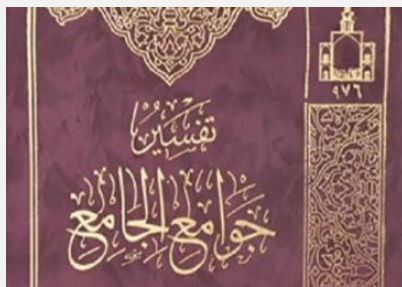


## جوامع الجامع؛ سومین تفسیر قرآن شیخ طبرسی

طبرسی این تفسیر را که گزیده دو تفسیر قبلی او به نام «مجمع البیان» و «الکافی الشافی» است به درخواست فرزندش به رشته تحریر درآورد که در عین ایجاز و اختصار، گویای مهمترین حقایق قرآنی و ارائه‌کننده جنبه‌های ادبی بدیع در قرآن است.



طبرسی این تفسیر را که گزیده دو تفسیر قبلی او به نام «مجمع البیان» و «الکافی الشافی» است به درخواست فرزندش به رشته تحریر درآورد که در عین ایجاز و اختصار، گویای مهمترین حقایق قرآنی و ارائه‌کننده جنبه‌های ادبی بدیع در قرآن است.

جوامع الجامع؛ سومین تفسیر قرآن شیخ طبرسی به گزارش ایکن، تفسیر جوامع الجامع نوشته فضل بن حسن طبرسی مفسر بزرگ شیعه است. طبرسی این تفسیر را که گزیده دو تفسیر قبلی او به نام «مجمع البیان» و «الکافی الشافی» است به درخواست فرزندش به رشته تحریر درآورد که در عین ایجاز و اختصار، گویای مهمترین حقایق قرآنی و ارائه‌کننده جنبه‌های ادبی بدیع در قرآن است. این اثر در مدت يك سال و پس از اتمام دو تفسیر مجمع البیان و الکافی الشافی تألیف شده است. درباره نویسنده

فضل بن حسن بن فضل طبرسی ملقب به امین الاسلام، از مفسران نامدار شیعه و نویسنده تفسیر مجمع البیان است. او در قرن ششم قمری می زیست و محدث، فقیه، متکلم، نیز بود. کتاب های جوامع الجامع و إعلام الوری نیز از آثار مشهور او هستند.

از صاحب ریاض العلماء چنین نقل شده است که مشهور است طبرسی دچار سکتة شد، گمان بردند که وفات یافته است. پس او را دفن کردند. طبرسی به هوش آمد و خود را در قبر دید. نذر کرد که اگر خدا او را از این بلا نجات دهد، کتابی در تفسیر قرآن تألیف کند. از قضا، شخصی قبر او را نبش کرد. هنگامی که نبش قبرکننده به درآوردن کفن های او مشغول شد، طبرسی دست او را گرفت. آن شخص ترسید. طبرسی قصه را برای او تعریف کرد. نبش قبرکننده او را بر دوش گرفته، به خانه رساند. طبرسی کفن خود و اموالی به نبش قبرکننده بخشید و آن شخص نیز از کار خود توبه کرد. طبرسی نیز در عمل به نذر خود کتاب مجمع البیان را تألیف کرد.

با توجه به این که طبرسی عالم قرن ششم است و افندی از علمای قرن دوازدهم است این داستان نیاز به سند دارد، ولی افندی این داستان را بدون سند نقل می کند و محدث نوری هم تصریح دارد که این داستان در هیچ منبعی قبل از ریاض العلماء نقل نشده است. آیت الله سیحانی نیز می گوید اگر چنین چیزی صحت داشت طبرسی آن را در مقدمه کتاب خود می نوشت و دیگران نیز آن را نقل می کردند.

طبرسی انگیزه خود از نگارش این تفسیر را چنین حکایت می کند: «هنگامی که از نوشتن کتاب بزرگ تفسیری، مجمع البیان که شامل انواع معارف و علوم قرآنی بود فراغت یافتم، بر کتاب کشف زمخشری دست یافتم و بر آن شدم که از بدایع و نکات و ظرافت های بی نظیر آن خوشه برچینم؛ (چنان کردم و از این کار، کتابی به دست آمد) که آن را الکافی الشافی نام نهادم. هر دو کتاب، پس از پا گذاشتن به عرصه وجود، مورد استقبال شایان دلباختگان قرآن قرار گرفت. در این هنگام، فرزند دلبندم، ابونصر حسن که خداوند او را به وجه احسن نصرت دهد از من خواست که آن دو را در قالب تلخیص درآورم تا برای همگان سودمند باشد و مردم به نظریات علمی و دقایق فکری و نکات بدیع ادبی هر دو کتاب، یکجا دسترسی پیدا کنند؛ و این در حالی بود که سن من از هفتاد گذشته و چنین کاری برایم دشوار بود؛ ولی با اصرار برخی دوستان محترم که فرزندم به شفاعت آورده بود، به درخواست ایشان تن در دادم و با حول و قوه الهی سعی در هموار شدن راه نمودم و بحمدالله موفق گردیدم و آن را جمع الجوامع نام نهادم؛ و این، اسمی است که با واقعیت مطابق است.»

نگاهی به شیوه نگارش تفسیر

این تفسیر به سبک مجمع البیان، منظم و مرتب نیست، بلکه چون کشف مطالب بدون عنوان بندی، به دنبال یکدیگر آمده است. این تفسیر بسیار موجز و ویژگی مهم آن، ادبی بودن آن است که با عبارات بسیار کوتاه، آیات قرآنی را تبیین می کند و شامل تمام آیات قرآن می شود.

نخستین مطلب کتاب درباره تعداد آیات سوره حمد است که بدون اختلاف هفت آیه است با این توضیح که مکیان و کوفیان «یسْم اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را یک آیه از سوره حمد دانسته اند و غیر اینان «صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ» را آیه مستقلی دانسته اند. نخستین روایت کتاب از ابن عباس است که گفته هر کس «یسْم اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را ترک کند، ۱۱۴ آیه قرآن را ترک کرده است. آخرین مطلب این تفسیر روایتی از امام صادق (ع) است که فرمود: هرگاه «قل أعوذ برب الفلق» را قرائت کردی در دلت بگو:

«أعوذ برب الفلق» و هرگاه «قل أعوذ برب الناس» را تلاوت کردی در دلت بگو: «أعوذ برب الناس».

شیوه این تفسیر، بیان مسائلی مربوط به لغت، اعراب، قرائت، بیان نظم و نکات ادبی و بلاغی و احیاناً کلامی است و مؤلف، با رعایت گزیده‌گویی، متنی دقیق و لطیف ارائه کرده است که بدین جهت مورد توجه حوزه‌های علمیه قرار گرفته است و به عنوان کتاب درسی رسمی تدریس می‌شود.

روش تفسیر در پردازش مطالب بدین گونه است که در آغاز با نام سوره، بیان مکی و مدنی و معنای سوره، تعداد آیات و فضیلت سوره شروع می‌کند، آنگاه به قرائت، لغت، نحو صرف، و واژه‌شناسی آیه می‌پردازد، سپس به بیان و شرح و توضیح معنای آیه پرداخته به مانند زمخشری، گفته‌های تفسیری را ارائه می‌کند.

در این تفسیر ارزشمند در آغاز آیاتی چند که به یک موضوع مربوط است ذکر شده و سپس به تدریج اجزاء آن آیات آورده شده و در ضمن تفسیر آن جزء، قرائت و جهات ادبی از صرف و نحو و لغت و اشتقاق و بلاغت و احیاناً کلام و فقه و اصول بیان شده است. البته در آیات الاحکام مباحث فقهی را غالباً با اختصار و به نحو ایجاز مطرح می‌کند و تفصیل آن را به کتاب مجمع البیان ارجاع می‌دهد.